

# حلقات

## درس ۷۷

استاد: حجت الاسلام و المسلمین علم الهدی

آموزشیار: آقای مهاجری

در درس قبل به بررسی قول مشهور و قول شهید صدر در مورد سقوط یا عدم سقوط تکلیف در موارد عجز به سوء اختیار پرداختیم و در این درس در صدد بررسی بیشتر قول شهید صدر هستیم. در ادامه این نکته را متذکر می شویم که ثمره عملی خاصی بر این دو قول مترتب نمی گردد و در نهایت موارد جریان قاعده استحاله تکلیف به غیر مقدور را بررسی می کنیم.

در این بحث به اطلاق بدلی و شمولی متعلق و تاثیر آن در جریان و عدم جریان قاعده استحاله تکلیف به غیر مقدور نیز اشاره می گردد.

و من هنا صح ان يقال ان الاضطرار بسوء الاختيار لا ينافي إطلاق الخطاب، و الوجوب المجعول أيضاً تبعاً لعدم منافاته للعقاب و الإدانة.

نعم لا أثر عملياً لهذا الإطلاق إذ سواء قلنا به، أو لا فروح التكليف م حفوظة على كل حال، و فاعليته ساقطة على كل حال و الإدانة مسجلة على المكلف عقلاً بلا إشكال.

الجامع بين المقدور و غيره:

ما تقدم حتى الآن كان يعنى ان التكليف مشروط بالقدرة على متعلقه. فإذا كان متعلقه بكل حصه غير مقدور انطبقت عليه قاعدة استحالة التكليف بغير المقدور، و اما إذا كان متعلقه جامعاً بين حصتين إحداها مقدورة، و الأخرى غير مقدورة، فلا شك أيضاً في استحالة تعلق التكليف بالجامع على نحو الإطلاق الشمولي، و اما تعلقه بالجامع على نحو الإطلاق البدلي ففي انطباق القاعدة المذكورة عليه كلام بين الاعلام.

و قد ذهب المحقق النائيني - رحمه الله - إلى ان التكليف إذا تعلق بهذا الجامع فيختص لا محالة بالحصه المقدورة منه، و لا يمكن ان يكون للمتعلق إطلاق للحصه الأخرى، لأن التكليف بداعي البعث و التحريك و هو لا يمكن الا بالنسبة إلى الحصه المقدورة خاصة فنفس كونه بهذا الداعي يوجب اختصاص التكليف بتلك الحصه . و ذهب المحقق الثاني، و وافقه جماعة من الاعلام إلى إمكان تعلق التكليف بالجامع بين المقدور و غيره على نحو يكون للواجب إطلاق بدلي يشمل الحصه غير المقدورة، و ذلك لأن الجامع بين المقدور و غير المقدور، مقدور و يكفي ذلك في إمكان التحريك نحوه و هذا هو الصحيح.

## بررسی اقوال در موارد عجز و اضطرار به سوء اختیار در مرتبه جعل

### یاد آوری

در موارد عجز و اضطرار به سوء اختیار، مثل عصیان یا تعجیز دو قول در مسئله وجود دارد:

۱. مشهور: ادانه و استحقاق عقاب در این موارد وجود دارد؛ ولی جعل و تکلیف ساقط است.

۲. شهید صدر: همان گونه که ادانه و استحقاق عقاب در این موارد به صرف اضطرار ساقط نمی شود، اصل تکلیف هم ساقط نیست.

### توضیح قول دوم:

اضطرار و عجز به سوء اختیار منافاتی با اختیار در بخش خطاب و فعلیت تکلیف ندارد و اطلاق خطاب همان گونه که شامل قادر می شود، شامل عاجز به سوء اختیار نیز می گردد و سرّ این مطلب همان طور که گذشت آن است که فعلیت تکلیف تابع قدرتی است که ادانه و مسئولیت بیاورد و به عبارت دیگر شرط فعلیت تکلیف آن است که مکلف خود را مسئول بداند و نیز گفته شد اضطرار به سوء اختیار منافاتی با ادانه ندارد؛ پس منافاتی با فعلیت تکلیف که تابع ادانه است نیز نخواهد داشت.

### عدم وجود ثمره عملی در مسئله و علت آن

هیچ ثمره عملی بر این دو قول مترتب نمی شود و علت آن هم این است که در هیچکدام از ابعاد مبادی تکلیف و فاعلیت تکلیف و ادانه، تفاوتی بین قول مشهور و شهید صدر وجود ندارد. در ادامه به بررسی عدم تفاوت بین دو قول در این ابعاد می پردازیم:

### ۱. بُعد اول: مبادی تکلیف

روح تکلیف یا همان مبادی تکلیف بنا بر هر دو قول محفوظ است و به هر حال نفس فعل، مصلحت دارد و مورد شوق و حبّ مولا می باشد -حتی بنا بر قول مشهور که قائل به سقوط تکلیف هستند-، زیرا اگر بر فرض مکلفی که خود را عاجز کرده نماز بخواند، نمازش مصلحت دارد و مورد شوق و حب مولا می باشد.

## ۲. بعد دوم: فاعلیت تکلیف

از حیث فاعلیت و محرکیت هم تفاوتی بین قول مشهور و قول شهید صدر وجود ندارد؛ زیرا طبق هر دو قول فاعلیت و محرکیت تکلیف ساقط است.

## ۳. بُعد سوم: ادانه

از حیث ادانه هم تفاوتی بین دو قول وجود ندارد؛ زیرا همان طور که گذشت هر دو قول ادانه را ثابت و مسلم می دانند.

SCO<sup>۱</sup> (۱۰: ۴۰)

## بررسی موارد جریان قاعده استحاله تکلیف به غیر مقدور

### ۱. غیر مقدور بودن تمام افراد متعلق تکلیف

اگر متعلق تکلیف طوری بود که تمام افراد و مصادیق آن غیر مقدور بود، تکلیف محال است و قاعده فوق بلا اشکال جاری است.

مثال: مولا در زمان ما از مکلف بخواهد که عیدی را آزاد کند و همان طور که می دانید در این زمان تمام مصادیق عتق عبد غیر مقدور است. بنا بر این تکلیف ساقط است و شامل این زمان نیست.

### ۲. غیر مقدور بودن بعضی از افراد متعلق تکلیف

اگر تکلیف به امری جامع و کلی، مثل اکرام عالم، تعلق گرفته باشد که هم دارای مصادیق مقدور مثل علما زنده و هم دارای مصادیق غیر مقدور مثل علمای فوت شده باشد، در اینجا متعلق تکلیف به دو گونه می تواند باشد که حکم آن متفاوت است:

### الف. اطلاق شمولی متعلق تکلیف

اگر اطلاق متعلق تکلیف، شمولی باشد به این معنا که وقتی مولا می گوید: «اکرم کل عالم» یعنی همه علمای از صدر اسلام تا الان را اکرام بکن، در این صورت قاعده استحاله تکلیف به غیر مقدور بلا اشکال جاری است و این قاعده با جریان خود، مصادیق غیر مقدور را از متعلق تکلیف خارج می کند و وجوب اکرام را فقط متوجه علمای می کند که اکرامشان مقدور مکلف باشد.

### ب. اطلاق بدلی متعلق

اگر اطلاق متعلق تکلیف، بدلی باشد، به این معنا که در مثال اکرم العالم از مکلف خواسته شده که یک عالم را اکرام کند آن هم علی البدل و به عبارتی مولا یک اکرام علی البدل را از مکلف خواسته، در اینجا در جریان یا عدم جریان قاعده دو قول وجود دارد:

### قول اول: نظر محقق نائینی

قاعده استحاله تکلیف به غیر مقدور در موارد اطلاق بدلی، مثل موارد اطلاق شمولی جریان دارد و مصادیق غیر مقدور را از متعلق تکلیف خارج می کند.

**مثال:** «اکرم العالم» فقط شامل علمایی است که اکرامشان ممکن است؛ بنابر این معنای عبارت این می شود که فقط یکی از علمایی را که قادر بر اکرامشان هستی، به نحو علی البدل اکرام کن و علمایی که از دنیا رفته اند از محدوده متعلق تکلیف خارج هستند.

**دلیل قول اول:** تکلیف، جعل به داعی و انگیزه تحریک مکلف است و تحریک هم در جایی معنا دارد که تحرک ممکن باشد و امکان تحرک، متفرع بر قدرت مکلف است؛ بنابر این مکلف عاجز تحرکی ندارد، پس تحریک و جعل به داعی تحریک در مورد او بی فایده است و از مولای حکیم صادر نمی شود.

### **قول دوم: نظر محقق ثانی و شهید صدر:**

قاعده استحاله تکلیف به غیر مقدور در موارد اطلاق بدلی جاری نیست و تکلیف، تمام مصادیق مقدور و غیر مقدور را شامل است.

**دلیل قول دوم:** هر گاه یک عنوان کلی وجود داشته باشد که فقط یک مصداق آن مقدور مکلف باشد، می توان گفت که آن عنوان کلی، مقدور مکلف است؛ مثلاً اگر در عالم فقط یک عبد باشد و یک عتق عبد تصور شود، می توان گفت که عتق عبد مقدور مکلف است. بنا بر این برای مقدور شدن یک جامع، مقدور بودن یک فرد از افراد آن کفایت می کند. در ما نحن فیه فرض این است که پاره ای از مصادیق مقدور برای جامع وجود دارد، پس جامع، مقدور خواهد بود و اگر جامع، مقدور بود، متعلق تکلیف قرار می گیرد و تکلیف شامل تمام مصادیق آن می شود؛ ولو اینکه از مصادیق غیر مقدور باشد. بنا بر این قاعده استحاله تکلیف به غیر مقدور در اینجا جاری نیست و تکلیف شامل تمام مصادیق می شود.

**Sco ۲( ۲۹:۱۲)**

۱. در موارد عجز به سوء اختیار، مشهور قائل به سقوط تکلیف هستند و شهید صدر قائل به عدم سقوط تکلیف است و اطلاق تکلیف را شامل این موارد هم می داند.

۲. بین قول مشهور و شهید صدر در هیچ یک از ابعاد مبادی تکلیف و فاعلیت تکلیف و ادانه، ثمره عملی وجود ندارد.

۳. در مواردی که تمام مصادیق متعلق تکلیف، غیر مقدور باشند قاعده استحاله تکلیف به غیر مقدور بلا اشکال جاری است.

۴. در مواردی که برخی از مصادیق متعلق تکلیف، مقدور و برخی غیر مقدور باشند و اطلاق متعلق، شمولی باشد، قاعده استحاله تکلیف به غیر مقدور جاری است و مصادیق غیر مقدور را از متعلق خارج می کند.

۵. در مواردی که برخی از مصادیق متعلق مقدور و برخی غیر مقدور باشند و اطلاق متعلق بدلی باشد، طبق نظر محقق نائینی قاعده استحاله تکلیف به غیر مقدور جاری است و مصادیق غیر مقدور را از متعلق خارج می کند و طبق نظر محقق ثانی و شهید صدر این قاعده جاری نیست و تکلیف شامل همه مصادیق مقدور و غیر مقدور می شود.